

تأثیر هویت‌یابی سیاسی شیعه بر امنیت ملی ایران

ابراهیم متقی*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حسن احمدی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۸ _ تاریخ تصویب: ۹۰/۱۲/۷)

چکیده:

هویت به عنوان محور اصلی کنش بازیگران در محیط رقابتی در دوران بعد از جنگ سرد به‌شمار می‌آید. هویت‌یابی بازیگران در سال‌های پس از جنگ سرد از اعتبار و کارآمدی بیشتری در روند امنیت‌سازی برخوردار شده است. از رهگذر گفتمان‌های امنیتی مانند نظریات امنیت موسع باری بوزان و قدرت نرم جوزف نای، تأثیر خودآگاهی جدید شیعه در شکل‌بندی قدرت در خاورمیانه مشخص می‌شود و می‌توان آثار آن را بر امنیت ملی ایران بررسی کرد. به این منظور پس از تجزیه و تحلیل مختصر علل هویت‌یابی شیعیان، به مؤلفه‌های این هویت‌یابی پرداخته شده و این مؤلفه‌ها در ۳ محور رشد فزاینده جمعیتی، مشارکت در قدرت، و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک شیعه) بررسی شده است. هرگونه هویت‌یابی دارای آثار و پیامدهای خاص خود می‌باشد؛ بنابراین تأثیر این هویت‌یابی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب تهدیدها و فرصت‌ها ارزیابی شده است. هویت‌یابی شیعیان می‌تواند آثار سیاسی دیگری را در حوزه کنش سایر بازیگران منطقه‌ای به‌وجود آورد. نشانه آن را می‌توان در دگرگونی‌های سیاسی و تحولات اخیر خاورمیانه ملاحظه کرد.

واژگان کلیدی:

امنیت، تشیع، جمعیت‌شناسی، هلال شیعه، هویت

مقدمه

دهه ۱۹۹۰ سرآغازی برای حرکت‌ها و خیزش‌های شیعیان برای احیای هویت تاریخی خود بود. این حرکت‌ها اگر چه نتوانست ایده‌های آرمانی خود را تحقق بخشد، اما کاتالیزور مناسبی برای حرکت‌های بعدی و احقاق حقوق مدنی، و اثبات کارآمدی و در نهایت خودآگاهی آنها گردید. از آنجایی که خاورمیانه کانون مرکزی زیست شیعیان در جهان است، طبیعتاً هر حرکت و خیزش شیعه اگر منشأ سخت‌افزاری آن از خاورمیانه نباشد، حداقل منبع فکری و ذهنی آن از این منطقه خواهد بود.

رژیم عراق در دوم اوت ۱۹۹۱ کویت را به اشغال خود درآورد. نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا و در چارچوب نظم نوین جهانی، در واکنش سریع برای آزاد نمودن کویت به خلیج فارس لشکرکشی نمودند. شیعیان عراق که درگیری آمریکا با رژیم بعث را فرصتی برای سرنگونی آن قلمداد کردند، در مرحله اول این‌گونه تحولات هویتی، بخش مهمی از خاک عراق را از کنترل صدام خارج ساخته، ۱۶ استان از ۱۸ استان عراق را آزاد کردند. اما ایالات متحده سیاست خود را ظرف ۲۴ ساعت تغییر داد و به حمایت از این رژیم و سرکوب شیعیان پرداخت؛ به‌گونه‌ای که نزدیک به صد هزار نفر کشته شدند (www.alalam.ir).

شیعیان عراق مبارزات زیرزمینی خود را برای مطالبات از دست رفته ادامه دادند. اخراج نیروهای نظامی عراق از کویت و روی کارآمدن دوباره آل صباح در این کشور باعث اعتراضاتی به ایالات متحده در حمایت از رژیم‌های فاقد دموکراسی مثل کویت گردید و آمریکا نیز برای تحت‌الشعاع قرار دادن این اعتراضات، کویت را به تأسیس مجلس شورای انتخابی تشویق نمود. این اقدام باعث شد که در جنبش‌های آزادی‌خواه از جمله شیعیان بحرین این احساس تقویت شود که سیاست یادشده در تأسیس پارلمان در منطقه عمومیت دارد و این امر سبب شکل‌گیری اعتراضاتی در شیعیان بحرین گردید که حکومت بحرین این اعتراضات را شدیداً سرکوب کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۴م نیز کمیته چهارده نفری شامل نخبگان بحرین خواستار بازگشت به دوران دموکراسی پارلمانی شدند. حکومت بحرین این اعتراضات را سرکوب کرد و صدها تن کشته و زخمی و هزاران نفر بازداشت شدند و سه نفر از روحانیان سرشناس که خواستار اصلاحات دموکراتیک شده بودند نیز به انگلستان تبعید شدند. این اعتراضات در انتظار فرصتی دیگر به‌ظاهر فروکش کرد تا اینکه تحولات اخیر منطقه خاورمیانه عربی و شمال آفریقا بار دیگر نقش هویت‌گرایی سیاسی شیعه را برجسته ساخت.

حرکت‌های شیعی در لبنان نیز به‌طور عمده در قالب دو حزب امل و حزب‌الله متبلور بود. در دهه ۱۹۹۰ اسرائیل دو عملیات بزرگ «تسویه حساب» در سال ۱۹۹۳م و «خوشه‌های خشم» در سال ۱۹۹۶م را با هدف سرنگونی مقاومت اسلامی و ایجاد کمربند امنیتی سازماندهی کرد.

این دو عملیات باعث همبستگی در مورد مشروعیت مقاومت حزب‌الله و به‌دست آوردن رسمیت مقاومت علیه اشغالگری در جریان جنگ ۱۹۹۶م شد. حزب‌الله که نماد شیعه شده بود، توانست با تجدید و تثبیت حضور خود در پارلمان از جنبه سیاسی نیز رسمیت پیدا کرده، به نوعی هویت‌یابی سیاسی برسد. در دیگر کشورها مثل عربستان نیز شیعیان قطف خواستار آزادی‌های بیشتری شدند. اکنون کشورهای یادشده و دیگر کشورهایی که از جمعیت شیعه قابل توجهی برخوردارند، وضعیت متفاوتی پیدا کرده‌اند.

شیعیان در عراق بعد از سقوط صدام برای نخستین بار در تاریخ عراق توانستند به حقوق سیاسی خود دست یابند و از حاشیه‌گرایی تاریخی خود خارج شوند و گام‌های گذار به دموکراسی را استوار بردارند و در آخرین مورد انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰م بود که ائتلاف شیعیان توانستند دولت را تشکیل دهند. در بحرین نیز جمعیت الوفاق توانست همه ۱۸ نامزد خود را روانه پارلمان سال ۲۰۱۱م بحرین کند؛ به این ترتیب اعتراضات کنونی آینده شیعه در این کشور را ترسیم خواهد کرد. در لبنان نیز بعد از خروج اسرائیل از این کشور در سال ۲۰۰۰م، مقاومت ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶م، اجلاس دوحه، توطئه دادگاه حریری، و از رسمیت انداختن کابینه حریری، شیعیان توانستند جایگاه خود را ارتقا بخشند. مشابه همین وضعیت در دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله کویت، یمن، عربستان شکل گرفته است.

با توجه به نقش مرکزی ایران برای شیعیان، این تحقیق بر آن است تا در چارچوب مسائل بین‌المللی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که هویت‌یابی سیاسی شیعه چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد. هویت‌یابی سیاسی جدید شیعه در خاورمیانه به دلیل توأم بودن با افزایش و اقتدار جایگاه ایران، کاهش جایگاه آمریکا و غرب، و برتری اسلام سیاسی با محوریت شیعه، به افزایش فرصت‌ها و تأثیر مثبت بر امنیت ایران می‌انجامد. اما به دلیل واکنش‌های بین‌المللی ناشی از حساسیت کشورهای منطقه و رویکرد تعارضی غرب نسبت به رشد اسلام‌گرایی با محوریت شیعه، به افزایش تهدیدات و تأثیر منفی بر امنیت ملی ایران منجر گردیده است. بررسی فرایندهای امنیتی بدون توجه به نیروهای چالش‌گر در برابر امنیت ملی ایران نمی‌تواند آثار و نتایج مؤثری در پی داشته باشد.

فرآیند و علل هویت‌یابی سیاسی شیعیان

هویت‌یابی سیاسی جدید شیعه که امروز به‌صورت مشخص خودنمایی می‌کند، تنها نتیجه حوادث امروز خاورمیانه نیست، بلکه به مسائل ریشه‌ای برمی‌گردد که برخی از عوامل آن به صدها سال قبل بازمی‌گردد که با شدت یافتن آن در قرن بیستم و به‌خصوص دهه ۹۰، به‌صورت تحولات امروزی بروز کرده است. در واقع پیدایش هویت سیاسی شیعی تحول

اجتناب‌ناپذیری بود که در پاسخ به نیازی دیرینه بروز یافت. اعتراضات سیاسی شیعی از درون یک پیش‌زمینه عزت‌گرایانه سنتی که قرن‌ها بر زندگی شیعی مسلط بود پا به عرصه وجود نهاد.

طرد شیعیان و احتساب آنها به منزله شهروند درجه دو، تبعیض‌های ناروا، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، حوادث دهه ۱۹۹۰ در کشورهای عراق، بحرین، لبنان، تحولات خاورمیانه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، ایدئولوژی پویا و کارا، فعال شدن شیعیان در پی تشدید فعالیت اقلیت‌های دینی و سیاسی در عصر پست‌مدرنیسم و زمینه‌سازی این مکتب فکری و سرانجام تحولات اخیر در خاورمیانه غربی و شمال آفریقا از دلایل هویت‌یابی شیعیان محسوب می‌شوند. طرد شیعیان که بیشتر به دلیل نگرش اجتماعی سنی‌ها و سیاست‌های حکومتی آنها می‌باشد، یکی از دلایل اصلی نگرانی و اعتراض شیعیان طی دهه‌های اخیر در کشورهای خاورمیانه است که با غضب خلافت شروع و تا حال ادامه یافته است و در تاریخ معاصر نیز حکومت عثمانی، حکومت‌های عرب پس از عثمانی و نیز استعمارگران به آن تداوم بخشیدند.

تبعیض‌هایی که علیه شیعیان صورت می‌گیرد بیشتر در بعد مذهبی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد، تبعیض مذهبی از عمده‌ترین تبعیض‌ها علیه شیعیان در کشورهای مختلف به‌خصوص اسلامی است. محدودیت در چاپ آثار مکتوب مذهبی، محدودیت تبلیغ و بجا آوردن اعمال عبادی و احداث مساجد و حسینیه‌ها، از عمده اعتراضات مذهبی شیعیان در کشورهای خاورمیانه می‌باشد. برای مثال عربستان سعودی بعد از انقلاب ایران مسافرت شیعیان این کشور به ایران را محدود کرد و در سال‌های اخیر نیز مساجد و حسینیه‌های این کشور با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. در بعد فرهنگی نیز کتاب‌ها، سرودها، نوارها و سی‌دی‌های مذهبی شیعه ممنوع بوده و در اختیار داشتن آنها مجازات در پی داشته است و حتی در برخی کشورها مثل عربستان در آموزش و پرورش تعالیم وهابی بر آنها تحمیل می‌شود و مجاز به تعلیم تشیع نیستند.

در برخی کشورهای عربی شیعیان از تمام مشاغل مهم حکومتی محروم هستند و حتی در امور مربوط به مناطق خود نیز حق خودمختاری و خودگردانی ندارند. برای مثال در عربستان ورود شیعیان به دست‌کم پنجاه درصد دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از نظر قانونی ممنوع است و در دادگاه به شیعیان اجازه گواهی دادن را نمی‌دهند و در این کشور هیچ قاضی شیعه‌ای وجود ندارد (فولر، ۱۳۸۴، ص ۳۳۳). از نظر اقتصادی نیز شیعیان در کشورهای عربی خاورمیانه با وجود سکونت در مناطق نفت‌خیز از استخدام در شرکت‌های نفتی محروم اند.

اما انقلاب اسلامی ایران که مذهب و دین را به منزله عامل جدید قدرت در نظام بین‌المللی مطرح نمود، بزرگ‌ترین خودآگاهی و اعتمادبه‌نفس را به شیعیان داد و ظرفیت‌های بالقوه آنها را تبدیل به بالفعل نمود و سیر صعودی بیداری اسلامی را شدت بخشید. البته حوادث دهه ۱۹۲۰ در عراق و مبارزه سیاسی شیعیان نیز در هویت دادن به شیعیان بی‌تأثیر نبود. تا اینکه حوادث دهه ۱۹۹۰ در عراق و کشتار شیعیان بلافاصله بعد از جنگ خلیج فارس و تشدید فعالیت سیاسی آنها در لبنان و بحرین، انگیزه تلاش برای هویت‌یابی را بیشتر نمود و ۱۱ سپتامبر و حوادث پس از آن شیعیان را بر آن داشت تا با استفاده از ایدئولوژی ظلم‌ستیزانه خود، به روند اوضاع کمک نموده، محرومیت نسبی آنها زمینه شکل‌گیری جنبش‌هایی را فراهم آورد و خود در عراق قدرت را به دست گیرند که این تحول منشأ تحولات بعدی خاورمیانه خواهد بود و به قول ولی‌رضا نصر، آینده خاورمیانه در گرو آینده شیعه است.

نشانه‌های هویت‌یابی شیعیان در خاورمیانه

کنش سیاسی را می‌توان اصلی‌ترین عامل هویت‌یابی گروه‌هایی دانست که در شرایط حاشیه‌ای قرار داشته‌اند؛ از جمله این نیروها می‌توان به شیعیان اشاره کرد. زمانی که هر گروه اجتماعی از انگیزه و تحرک کنش سیاسی برخوردار می‌شود، بیانگر آن است که به قابلیت‌های لازم برای کنش‌گری دست یافته است. شیعیان نیز در چنین شرایطی قرار گرفته‌اند. این امر را می‌توان انعکاس هویت‌یابی معطوف به کنش سیاسی دانست.

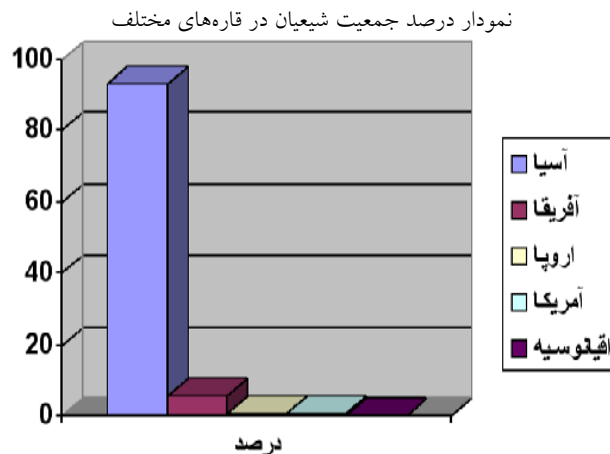
از سوی دیگر لازم است تا نشانه‌های هویت‌یابی ارزیابی شود. ساموئل هانتینگتون معتقد است تعداد بی‌شماری از منابع احتمالی هویت در اختیار افراد قرار دارد که شامل منابع انتسابی (نژاد، قوم، اصل، نسب...)، فرهنگی (مذهب، تمدن، قبیله، قومیت، ملیت)، سیاسی (حزب، ایدئولوژی و دولت)، ارضی، اقتصادی و اجتماعی است (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص ۴۸) که این منابع در موارد متعدد ممکن است همدیگر را تقویت یا نفی کنند. خیز جدید شیعه در کشورهای خاورمیانه نیز نشانه‌هایی دارد که با ژرف‌اندیشی در آن می‌توان از آن به هویت‌یابی (خودآگاهی) سیاسی جدید تعبیر نمود و هویت اشاره‌شده در دیدگاه‌های هانتینگتون را در منابع سیاسی گنجانند. وی همچنین در نظریه برخورد تمدن‌ها، معتقد است رشد روزافزون جمعیتی، سیاسی و اقتصادی برخی تمدن‌ها و ظهور گروه‌های مذهبی باعث می‌شود قرن پیش روی ما، قرن تضاد و برخورد بین تمدن‌ها باشد که هم منابع هویتی و هم ویژگی تمدن‌های در حال بازسازی در نظریه وی قابل تطبیق با نشانه‌های هویت‌یابی است که در زیر می‌آید:

الف. رشد فزاینده جمعیتی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در هویت‌بخشی رشد کمی جمعیت است. آمار دقیقی از تعداد واقعی شیعیان در سال‌های پیشین وجود ندارد، اما براساس آمارهای پراکنده در برخی منابع، جمعیت آنها در زمان قدیم نیز قابل توجه بوده است. مرحوم سیدحسن امین‌عاملی در *اعیان‌الشیعه* (تألیف ۱۳۱۴ ش) تعداد کل شیعیان جهان را بالغ بر ۷۵ میلیون نفر برآورد کرده است.

طبق آخرین آمار که دانشنامه آنلاین wikipedia برگرفته از اطلاعات کلی سازمان سیا آن را منتشر کرده است، در بین ۷۰ کشور مطرح دنیا، از بین جمعیت ۴۹۹۲۶۶۳۵۶۰ نفری این کشورها، ۲۹ درصد آنها، یعنی ۲۱۹۶۶۷۳۶۷ نفر، شیعه هستند (www.wikipedia.org) و این جدا از جمعیت پراکنده‌ای است که در بیش از ۱۰۰ کشور دیگر ساکن‌اند و براساس آمارگیری یک مرکز تحقیقاتی دیگر در عراق، جمعیت شیعیان در ۱۰۲ کشور دنیا بالغ بر ۲۴۸۷۶۸۵۰۰ نفر است (Manar.comwww).

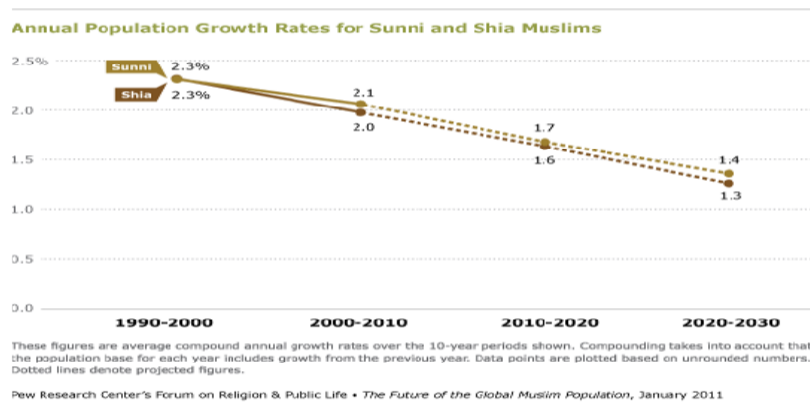
از مجموع ۲۱۹ میلیون شیعه، بیش از ۹۳ درصد آنها یعنی ۲۰۴ میلیون نفر در آسیا، ۱۲ میلیون نفر در آفریقا، یک میلیون و نهصد هزار نفر در اروپا و بقیه در دیگر نقاط جهان ساکن‌اند که بیشتر جمعیت شیعیان آسیا در خاورمیانه و سپس در شبه‌قاره ساکن هستند.



با مقایسه جمعیت سابق و فعلی شیعیان به این نکته پی می‌بریم که شیعیان مانند دیگر اقلیت‌ها سیر فزاینده جمعیتی را پیموده‌اند؛ به گونه‌ای که در فاصله کمتر از ۵۰ سال جمعیت آنها از ۷۵ میلیون به جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر (با احتساب ۱۰۰ کشوری که در آمار

فوق نیامده) رسیده است. این مؤلفه به عنوان یکی از منابع قدرت بین‌المللی و یکی از فاکتورهای توسعه و منابع انسانی کارآمد، می‌تواند نقشی اساسی در هویت‌یابی شیعه ایفا نماید. نمودار رشد سالانه جمعیت شیعه که مؤسسه دین و زندگی در آمریکا منتشر کرد، نمایانگر رشد پایاپای جمعیت شیعه و اهل سنت است.

نمودار رشد سالانه جمعیت شیعه و سنی



همان‌گونه که در جدول پایین هویدا است، بررسی تطبیقی جمعیت شیعه و سنی در ۴ کشور مهم و پرجمعیت اسلامی تا سال ۲۰۳۰م بیانگر رشد پایاپای جمعیت شیعه با سنی است.

Shia Muslim Population Growth in the Four Largest Shia-Majority Countries

Country	ESTIMATED SHIA POPULATION 2010	PROJECTED SHIA POPULATION 2030	ANNUAL GROWTH RATE
Iraq	20,998,000	32,636,000	2.2%
Bahrain	459,000	617,000	1.5
Iran	69,208,000	82,904,330	0.9
Azerbaijan	6,156,000	7,113,000	0.7

Population estimates are calculated as ranges; figures listed are the mid-points of the ranges.

Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life
The Future of the Global Muslim Population, January 2011

Sunni Muslim Population Growth in the Four Largest Sunni-Majority Countries

Country	ESTIMATED SUNNI POPULATION 2010	PROJECTED SUNNI POPULATION 2030	ANNUAL GROWTH RATE
Pakistan	155,834,000	224,103,000	1.8%
Egypt	79,624,000	104,539,000	1.4
Bangladesh	147,864,000	186,568,000	1.2
Indonesia	203,823,000	237,639,000	0.8

Population estimates are calculated as ranges; figures listed are the mid-points of the ranges.

Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life
The Future of the Global Muslim Population, January 2011

ب. تشدید فعالیت‌های سیاسی (مشارکت در قدرت)

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی هویت‌یابی سیاسی شیعه در خاورمیانه، حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و افزایش روند مشارکت در قدرت است. با نگاهی به وضعیت سیاسی

فعالی و تطبیق آن با گذشته گروه‌های شیعی، این مؤلفه کاملاً هویداست. پیش از این گروه‌های شیعی در عراق با وجود دارا بودن ۶۵ درصد جمعیت کشور و وجود پتانسیل بالقوه در جامعه و حوزه نجف- به عنوان مرکزیت علمی و فقهی شیعه- نه تنها سهمی در قدرت نداشتند، بلکه سیاست حاشیه‌گرایی اجباری را اختیار کرده بودند. اگرچه برخی احزاب مثل حزب‌الدعوه و جماعه‌العلماء فعالیت‌های سیاسی قابل توجهی داشتند و در مقاطعی در دهه ۱۹۲۰م شیعیان در انقلاب آن کشور نقش‌آفرینی نمودند، اما قدرت‌های حاکم به جز در موارد محدودی در دوره عبدالکریم قاسم هیچ‌گاه آنان را به رسمیت نشناختند و در حاکمیت شریک نکردند و در دوره صدام حسین در تنگنایی تاریخی به سر می‌بردند. اما امروزه و بعد از انتفاضه ۱۹۹۱م که سرآغاز تحولات و خیزش‌های جدید شیعی در عراق بود، به کمک فعالیت‌های سیاسی مجلس اعلا، حزب‌الدعوه و دیگر احزاب اسلام‌گرا، وضعیت سیاسی شیعیان پس از سقوط صدام بهبود یافت.

اولین گام در مرحله جدید، فعالیت‌های سیاسی شیعیان عراق و مشارکت فعال در قدرت و تشکیل شورای حکومتی بود که ۱۳ نفر از شیعیان از مجموع ۲۵ وزیر در آن مشارکت داشتند و بعد از ژوئن ۲۰۰۵، ائتلاف عراق یکپارچه ۶۵ درصد آرا (abduZahra. 17 september 2007) و در سال ۲۰۱۰م نیز ائتلاف دولت قانون به ریاست مالکی نخست‌وزیر کنونی عراق، ۸۹ کرسی و ائتلاف ملی به ریاست عمار حکیم، ۷۰ کرسی (Moubayed 08 June 2010) انتخاباتی را به خود اختصاص دادند و سرانجام نوری مالکی به نمایندگی از ائتلاف شیعیان و کردها مأمور تشکیل کابینه شد و از میان وزارتخانه‌های دولت جدید، ۱۷ وزارتخانه به ائتلاف شیعیان، ۹ وزارتخانه به فهرست العراقیه، ۸ وزارتخانه به ائتلاف کردستان و دیگر احزاب رسید. شیعیان در دوران حکومت انتقالی، دولت موقت، تشکیل پارلمان، تصویب قانون اساسی و مقابله با بحران‌های داخلی پس از سقوط صدام، توانستند عملکرد مثبتی را از خود نشان دهند.

در لبنان نیز شیعیان پس از ورود امام موسی صدر دوره حیاتی مهمی را آغاز نمودند که پس از تشکیل مجلس و حرکه‌المحرومین از سوی وی و تکمیل اقدامات سیدشرف‌الدین، این تلاش‌ها و موفقیت‌ها به اوج خود رسید. اما پس از ناپدید شدن وی، گروه‌های شیعه دچار انشعابات درونی شده، مقدمه تشکیل جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله در سال ۱۹۸۲م فراهم آمد. با موفقیت‌های اولیه حزب‌الله و پیمان ۱۹۸۹م طائف که براساس آن مشارکت وسیع شیعیان پذیرفته شد، برای نخستین بار شیعیان با وجود جمعیت غالب لبنان به سهمی برابر با سنی‌ها دست یافتند و ریاست پارلمان به عنوان حق شیعیان رسمیت پیدا کرد و این مهم شیعیان را از انزوای تحمیلی درآورد که این موفقیت‌ها با اخراج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در ۷ ژوئیه سال ۲۰۰۰ و پیروزی در جنگ ۳۳روزه به اوج خود رسید. بعد از جنگ

۳۳ روزه، شیعیان توانستند در صحنه سیاسی نیز محافل سیاسی لبنانی و غیرلبنانی را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نمایند. اگر به این موضوعات، مسئله تبادل اسرا در ۱۶ جولای ۲۰۰۸، اجلاس ماه می ۲۰۰۸ در دوحه و به دست آوردن ۱۱ کرسی برای شیعیان و حفظ سلاح مقاومت، موضع‌گیری‌های صریح و مقتدرانه حزب‌الله در برابر دادگاه رفیق حریری و از رسمیت انداختن دولت غرب‌گرای سعدحریری و معرفی نجیب میقاتی برای تشکیل کابینه را اضافه کنیم، اثبات این گام‌های موفقیت‌آمیز را بیشتر نشان می‌دهد و این اقدامات برای احیای هویت تاریخی شیعه در لبنان کمک قابل توجهی بوده است.

در بحرین نیز همواره نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی متقابل میان شیعیان و خانواده حاکم وجود داشته است؛ با این تفاوت که بدبینی و اعتماد نکردن شیعه به هیئت حاکمه به دلیل سنی بودن خلیفه نیست، بلکه به دلیل رفتار بد مدیریتی آنان در طول تاریخ بحرین است. در حالی که بدبینی هیئت حاکمه به شیعیان به دلیل شیعه بودن و پیوند آنها با شیعیان ایران است (مجتهدزاده، ۵ تیر ۱۳۷۵). در بحرین زمانی شیعیان مجوز کوچک‌ترین اعتراض و اجتماع را نداشتند، ولی پس از تأسیس پارلمان در سال ۲۰۰۲م و برگزاری انتخابات، موفق به تأثیرگذاری فعال در قدرت شدند. در سال ۱۹۹۲م نیز هنگامی که شیعیان هم‌صدا با سنی‌های معترض خواستار احیای قانون اساسی و پارلمان شدند، خاندان الخلیفه بدون پذیرش هر گونه مذاکره با آنان، سیاست تشدید سرکوب شیعیان را در پیش گرفت. در نتیجه باعث روی آوردن شیعیان سرخورده به راهپیمایی‌های خشونت‌آمیز شد که در مواردی به خون‌ریزی انجامید. در درگیری‌های شیعیان با نیروهای امنیتی طی سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۹م دست کم ۳۸ تن کشته و صدها نفر زخمی شدند. در پی به قدرت رسیدن شیخ‌حمد بن‌عیسی آل‌خلیفه در سال ۱۹۹۹م و قول وی مبنی بر اصلاحات سیاسی و اقتصادی و رفع تبعیض علیه شیعیان، هزاران زندانی سیاسی آزاد و تبعیدی‌ها به کشور بازگشتند و در سال ۲۰۰۲م پارلمان دوباره تأسیس و انتخابات سراسری برگزار شد. اما این اقدامات هنوز نتوانست شیعیان را خرسند سازد. این اعتراضات و حرکت‌های سیاسی تاکنون کم‌وبیش ادامه داشته و باعث شده است شیعیان بعد از یک دوره تحریم انتخابات، وارد صحنه سیاسی شوند و بتوانند در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶م ۱۷ کرسی را به خود اختصاص دهند و نیز جمعیت شیعه‌الوفاق موفق شد ۱۸ کرسی را از مجموع ۴۰ کرسی در پارلمان سال ۲۰۱۱م بحرین تسخیر کند. اما این فعالیت‌ها دیری نپایید که تحت تأثیر تحولات اخیر در جهان عرب قرار گرفت و پس از سقوط دولت بن‌علی در تونس و مبارک در مصر و حوادث یمن و لیبی، اکنون شیعیان بحرین این مقطع را فرصتی استثنایی برای پیگیری مطالبات تاریخی خود قلمداد کرده، اعتراضات خود را تشدید نمودند. روشن است که گذر زمان آینده تحولات و بالطبع شیعه را در این کشور رقم خواهد زد. فعالیت سیاسی شیعیان

بیشتر از سوی احزاب و جنبش‌های این کشور سازماندهی می‌شود که احزاب فعال آن عبارت‌اند از: جبهه آزادی‌بخش بحرین، جبهه اسلامی برای آزادی بحرین، حزب‌الله بحرین، حرکت هسته‌های انقلابی، حزب‌الدعوه، حرکت ستم‌دیدگان بحرین و دیگر حرکت‌ها و جنبش‌ها که برخی از آنها سنی نیز هستند.

بیشتر کشورهای خاورمیانه مثل یمن، کویت، قطر نیز در شرایط تبعیض اجتماعی به سر می‌برند اگرچه تحولات عراق و الگوی خاورمیانه بزرگ بر کنش سیاسی کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است، اما این روند نمی‌تواند انتظارات شیعیان را تأمین نماید. تضادهای هویتی در خاورمیانه در حال گسترش است و الگوهای تعدیل‌کننده کم‌تر استفاده می‌شوند. اگرچه در کویت زمانی حکومت دید کاملاً بدبینانه‌ای نسبت به شیعیان داشت، امروزه این دیدگاه تعدیل شده و شیعیان ضمن اینکه در پارلمان دارای نماینده هستند، در ساختار حکومت و قدرت نیز حضور فعال دارند. ولی پس از بیداری اسلامی حساسیت‌ها نسبت به شیعیان دوباره فزونی یافت. این خودآگاهی و هویت‌یابی سیاسی شیعیان در خاورمیانه بعد از تبعیض‌های طولانی مدت حکومت‌ها علیه آنان و دوری آنها از ساختار قدرت می‌باشد که امروزه به صورت مؤلفه‌ای از هویت‌یابی مطرح شده است.

ج. ژئوپلتیک شیعه

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شیعیان در خاورمیانه، تمرکز جغرافیایی است که به آنان موقعیت استراتژیک بخشیده و قرارگرفتن در یک امتداد جغرافیایی که باعث شده است تا تحولات در یک جامعه شیعه بسیار سریع و بی‌واسطه بر سایر جوامع شیعه تأثیر گذارد. حلقه زدن کشورهای با جمعیت شیعی به دور ایران به عنوان یک نظام الهام‌بخش و تأثیرگذار، اهمیت دیگری به موقعیت ژئوپلتیکی شیعیان داده است. یکی از علمای پاکستان در این زمینه اظهار داشت که «انقلاب ایران چندین سال شیعیان پاکستان را جلو برد» (ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۲۳) و یا حسنی مبارک در دیدار با دیگ‌چنی گفته بود که «خاورمیانه مانند یوگسلاوی یا پاناما که آمریکا پیش‌تر مداخله نظامی کرده بود، نیست، بلکه منطقه‌ای است که شیعیان در آن پراکنده‌اند و ایران به مثابه ستون فقرات شیعیان محسوب می‌شود» (Wong, 9 April 2006, 3) و یا عبدالله شاه اردن در چارچوب همین تحلیل، بحث هلال شیعه را مطرح ساخت و آن را به عنوان تهدیدی برای اهل تسنن معرفی کرد (احمدی، شماره ۳۰۴۷، سیزدهم دی ۱۳۸۳).

کمربند موسوم به هلال شیعه



شیعیان در خاورمیانه در یک کمان استراتژیک با عنوان هلال شیعه واقع شده‌اند که از لبنان شروع و تا یمن در پایین عربستان امتداد پیدا می‌کند. این بخش‌ها سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس را شامل می‌شود و بخش‌هایی از جنوب سواحل عراق، کویت، استان‌های شرقی عربستان سعودی (احساء، قطیف)، سواحل بحرین و قسمت‌هایی از سواحل قطر و بندر دبی در امارات متحده عربی را دربر می‌گیرد. در واقع، به لحاظ جغرافیایی مهم‌ترین بخش‌های خاورمیانه و بخصوص خلیج فارس در اختیار شیعیان است و به تعبیر فرانسوا توال خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی تحت سلطه شیعیان است و یا به قول نوام چامسکی که گفته بود: «از سر یک تصادف جغرافیایی منابع اصلی نفت جهان عمدتاً در مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه یعنی جنوب عراق، مناطق شرق عربستان و ایران قرار دارد» (Chomsky, 2007, 85). میدان نفتی "رومیله" در جنوب عراق با تولید روزانه ۲ میلیون بشکه نفت خام، منطقه "بورگان" در جنوب کویت محل بارگیری نفت خام استخراج‌شده از میدان نفتی بورگان با تولید روزانه ۱.۷ میلیون بشکه، ابرمیدان نفتی "قوار" عربستان با تولید روزانه ۵ میلیون بشکه در روز، همه در مناطق شیعه‌نشین کشورهای یادشده می‌باشند.



(<http://blogs.forbes.com/energysource/2011/03/06/irans-opportunity-in-the-persian-gulf>)

دیگر کشورهای اسلامی با جمعیت شیعه نیز دارای مؤلفه‌های موقعیت ژئوپلیتیکی هستند که این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد تا از قدرتی تأثیرگذار برخوردار باشند. لبنان، یمن، پاکستان، افغانستان و ترکیه از جمله کشورهای هستند که دارای این خصوصیات می‌باشند.

تهدیدات

خودآگاهی سیاسی شیعه در خاورمیانه طبعاً فرصت‌ها و تهدیداتی را برای ایران به‌عنوان مرکزیت سیاسی شیعه دربر دارد که این تهدیدات در چهار محور چالش‌های قومی (کردی و عربی)، تشدید انقباض سیاسی (نگرانی کشورهای منطقه)، نگرانی غرب، و محدودسازی حوزه نرم‌افزاری نفوذ ایران، قابل بررسی است.

الف. چالش‌های قومی

با سقوط حکومت بعث در بهار ۱۳۸۲ش و ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار حکومت عراق (به‌عنوان یکی از محورهای مهم هویت‌یابی شیعی) پس از چند دهه شیعیان نقش مسلطی در ساختار عراق پیدا کردند. قدرت گرفتن شیعیان در عراق، توازن مذهبی و مؤلفه قدرت را در منطقه برهم زده است. یکی از تأثیرات این خیزش و هویت‌یابی شیعی در خاورمیانه که در قالب تهدیدات قابل بررسی است، تشدید چالش‌های قومی بوده است که عراق به دلیل داشتن قومیت‌های مختلف مثل قوم کرد و عرب، از قابلیت بالایی برای انتقال تنش و تشدید مطالبات قومی مذهبی به همسایگانش که در آنها نیز این قومیت‌ها وجود دارند، برخوردار است.

۱. چالش کردی. پس از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و تنظیم قانون اساسی جدید، این قانون در کنار اعطای نقش مؤثر به شیعیان، نقش قابل توجهی را نیز برای اقلیت کرد این کشور در نظر گرفته است از جمله:

_ رسمیت دادن به زبان کردی در کنار زبان عربی در ماده ۴ فصل اول قانون اساسی (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸) که بر این اساس کردها می‌توانند در نهادهای رسمی مانند مجلس نمایندگان، شورای وزیران، دادگاه‌ها، کنفرانس‌های رسمی، مکاتبات رسمی و دولتی و مدارس از زبان کردی در کنار زبان عربی استفاده نمایند.

_ رسمیت دادن به ملیت کرد در کنار ملیت عرب در ماده ۳ فصل اول قانون اساسی.

_ اداره امور منطقه به دست خود مردم و تقسیم ثروت و منابع طبیعی کشور به‌طور مساوی برای ملیت‌های این سرزمین، انتخاب چند وزیر کرد، پست ریاست جمهوری جلال طالبانی و... از دیگر امتیازاتی است که به قوم کرد در عراق جدید داده شده است. این امتیازها که استقلال نسبی برای کردهای عراقی در نظر می‌گیرد، می‌تواند در درازمدت بر امنیت ملی ایران

تأثیر گذارده (پورسعید، ۱۳۸۲، ص ۴۴۸)، مطالبات قومی کردها را در سوریه و ترکیه نیز تشدید نماید. چنان‌که پس از تصویب قانون اساسی عراق، ناآرامی‌هایی گروه‌های تجزیه‌طلب کرد را در شهرهای کردنشین این کشورها و از جمله به‌صورت بسیار محدود در ایران مثل مهاباد و سقز شاهد بودیم (www. Aftab news. Ir) و اکنون نیز اقدامات گروه‌های تجزیه‌طلب مثل پژاک و... در کشورهای یادشده در این راستا ارزیابی می‌شود. اگرچه به دلیل ایرانی بودن قوم کرد این مشکلات در ایران بسیار کم‌تر از ترکیه و عراق بوده است.

۲. چالش عربی. از دیگر قومیت‌هایی که ممکن است از هویت‌یابی شیعه در منطقه و به‌خصوص عراق تأثیر پذیرد، قوم عرب می‌باشد که بیشتر در نواحی جنوب‌غربی ایران و در همسایگی عراق ساکن هستند. سابقه تجزیه‌طلبی در اعراب ایران از زمان عبدالکریم قاسم شروع شد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، صص ۱۰۴-۸۷) و تا زمان صدام حسین ادامه داشت و تشکیل جبهه آزادی‌بخش اهواز با هدف آزادسازی خوزستان در سال ۱۳۳۷ش، طرح مسئله عربستان (خوزستان) در جامعه عرب از سوی دولت عراق در سال ۱۳۴۲ش، و تشکیل کنفرانس حقوق‌دانان عرب در بغداد در سال ۱۳۴۳ش (www. Peyroemam. blogFa. Com) در این راستا ارزیابی می‌شود. در سال‌های اخیر نیز گروه‌هایی مثل جبهه «العربیه التحریر الاهواز» و «حرکت التحریر الوطنی الاهوازی» و چند گروه دیگر فعالیت‌های خود را تشدید نموده‌اند. این گروه‌ها که سابقاً به دلیل ارائه نکردن الگوی کشور عربی موفق، و نابسامانی‌های سابق در عراق تمایل کمتری به پیوستن به این کشور داشتند، اخیراً با روی کار آمدن دولت عربی مردمی و شیعی و با بزرگ‌نمایی حقوق اعراب در قانون اساسی جدید عراق، از جمله ملیت عربی، زبان رسمی و مهم‌تر از همه، حکومت شیعی عربی (روزنامه ایران، سیزدهم دی ۱۰۸۳-۱۱) که آنها را دارای وجوه مشترک بیشتری می‌نماید، ممکن است تحرکاتی هر چند محدود داشته باشند. اگر به این موضوعات، ساختن کشوری آباد در چشم‌انداز آینده عراق و محرومیت اقتصادی و فرهنگی مناطق عرب‌نشین جنوب ایران را بیفزاییم، زمینه این چالش پررنگ‌تر می‌شود. اگرچه جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را برای رفع تبعیض در این مناطق به‌کار گرفته و این موضوع رضایت خوبی را به‌دنبال داشته است.

ب. تشدید انقباض سیاسی (نگرانی کشورهای منطقه)

کشورهای منطقه به دلیل اینکه مراکز هویت‌یابی بیشتر در همسایگی آنها و یا به عبارتی در عضوی از پیکره آنها (منطقه) قرار دارد، از این رویدادها ابراز نگرانی و ایران را به دست داشتن در ناآرامی‌های این کشورها متهم می‌کنند. اردن، ایران را متهم به تشکیل هلال شیعه کرد و عربستان ادعا می‌کند ایران درصدد تغییر جغرافیایی مذهبی منطقه است و مصر شیعیان را متهم

به وفاداری به ایران به جای پایبندی به منافع کشورهای متبوعشان کرده است و اخیراً نیز ایران را متهم به دخالت در ناآرامی های بحرین - که متأثر از تحولات مصر، تونس، یمن و لیبی می باشد - می نمایند. این نگرانی ها بیشتر پیرامون دو محور قابل بررسی است:

۱. نگرانی های ایدئولوژیک. نگرانی های ایدئولوژیک شامل نگرانی هایی هستند که بیشتر صبغه دینی دارند و متأثر از این هویت یابی است و باعث نگرانی کشورهای منطقه نسبت به این خودآگاهی شده است و شامل فراگیر شدن ایدئولوژی تشیع به عنوان یک ایدئولوژی رسمی در خاورمیانه (در لبنان، بحرین و عراق) و بالطبع به چالش کشیدن منش اسلام سیاسی غیرشیعه، تضعیف عربیت عراق (الشرق الاوسط، ۲۳ دسامبر ۲۰۰۴، العدد ۹۵۲۲) و تشدید درگیری های مذهبی شیعه و سنی در منطقه است که ناخودآگاه باعث تقابل می شود. یکی از برنامه های غرب ایجاد تقابل بین شیعه و سنی است؛ چنان که هنری کسینجر ضمن اینکه رادیکالیسم شیعه را یکی از چهار تهدید منافع امریکا در منطقه معرفی می کند، یکی از سیاست های کاخ سفید را تقابل سازی شیعه و سنی می داند (متقی، نیمه شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۴). به گفته برخی پژوهشگران، آینده منطقه را تقابل و خشونت های بین شیعه و سنی رقم می زند (nasr, 2007, 261). هر کدام از این محورها به دلیل حساسیت کشورهای منطقه، بالطبع واکنش آنها را در پی خواهد داشت که می تواند حوزه نرم افزاری و شاید سخت افزاری امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد و باعث تنش میان ایران و آن کشورها شود.

۲. نگرانی های سیاسی. این گونه نگرانی ها که برخی از آنها دو وجهی (سیاسی و ایدئولوژیک) است، دغدغه اصلی کشورهای عربی است که به دنبال قدرت گرفتن شیعیان در منطقه حاصل می شود؛ شامل به چالش کشیدن رهبری جهان اسلام از سوی ایران که مدعیانی از قبیل عربستان و مصر دارد؛ افزایش قدرت منطقه ای ایران (Rubin, no3-septmloer, 2006)؛ تشدید مطالبات شیعه در بحرین، کویت، آذربایجان، یمن، عربستان و...؛ تضعیف وفاداری شیعیان به کشورهای متبوع خود؛ تکمیل حلقه های مفقوده کمربند شیعی (هلال شیعی) و ناکامی اسلام سیاسی اهل تسنن، که هر کدام از آنها می تواند باعث تقابل کشورهای منطقه با ایران و طبیعتاً تأثیر بر امنیت ملی گردد.

ج. نگرانی غرب

خودآگاهی شیعه در خاورمیانه علاوه بر ایجاد حساسیت در کشورهای منطقه، به دلیل تشدید غرب ستیزی برگرفته از اندیشه شیعه و انقلاب ایران، تقویت ایده اسلام سیاسی شیعه، تقویت جبهه بیداری اسلامی، تضعیف متحدین غرب و تهدید منافع مادی و معنوی غرب، باعث نگرانی و تنش سیاسی بین ایران و غرب می گردد که این موضوع علاوه بر تأثیر مستقیم بر

امنیت ملی ایران، می‌تواند بهانه‌ای برای حضور دائم نظامی آمریکا و غرب در منطقه و در همسایگی ایران گردد که تأثیرات امنیتی آن بر ایران و منطقه قابل چشم‌پوشی نیست.

د. محدودسازی حوزه نرم‌افزاری نفوذ ایران

هویت‌یابی سیاسی جدید شیعه، علاوه بر تقویت حوزه نفوذ ایران، ممکن است از سویی حوزه نفوذ معنوی ایران را کاهش دهد. برخی معتقدند اگر هویت‌یابی جدید شیعه به تضعیف حوزه قم _ که منبع و کاتالیزر این حرکت‌ها محسوب می‌شود _ و تقویت حوزه علمیه نجف بینجامد، این موضوع علاوه بر اینکه منجر به ظهور رقیب جدی برای حوزه قم می‌شود، می‌تواند موضوع قدیمی تقابل مکاتب سه‌گانه نجف، قم و تهران و جریان اشاعره و اخباریون را دوباره زنده کند و با توجه به عربی بودن حوزه نجف و کشور عراق، کاهش نفوذ معنوی مرجعیت ایران در آن کشورها _ که بیشتر عربی هستند _ متصور می‌باشد (قوچانی، ۱۳۸۵، ص ۷۴) و سبب ظهور مراجع بومی و محلی در عراق، لبنان، بحرین و دیگر کشورها می‌شود که خود باعث کاهش نفوذ حوزه و مراجع قم و در نتیجه کاهش نفوذ اندیشه برآمده از این حوزه (ولایت فقیه) می‌گردد. این بدان معنا خواهد بود که دیگر شیعیان محلی توجه چندانی به تحولات دینی در ایران نخواهند داشت و قادر خواهند بود برای گرفتن راهنمایی در موضوعات اساسی دینی به مراجع محلی خود رجوع کنند. این موضوع زمانی قوت می‌گیرد که جبهه‌ای که تازگی به عنوان رقیبی برای قم قد علم کرده (نجف)، به دلیل اشتراکاتی که با شیعیان سایر کشورها (اعراب) دارد، مانند عربیت، توان وحدت‌نظر بین آنها را دوچندان خواهد کرد و به‌طور بالقوه از این توانمندی برخوردار است که نگاههای اعراب شیعه را از قم به نجف متمرکز گرداند و این باعث کاهش نفوذ مراجع قم و پیروان آن در خارج از مرزهای سرزمینی ایران می‌شود. اگرچه عملکرد موفق انقلاب اسلامی در تقویت بیداری اسلامی و قدرت نرم برآمده از انقلاب اسلامی و هوشیاری و وحدت نظر علما و مراجع تشیع در عمل خط بطلانی بر این ایده بوده است.

فرصت‌ها

خودآگاهی سیاسی شیعه در خاورمیانه علاوه بر اینکه تهدیدهایی را متوجه امنیت ملی ایران می‌کند، حامل فرصتهایی نیز هست که در سه محور قابل تبیین است:

الف. افزایش اقتدار و جایگاه ایران

یکی از تحولات مهم حاصل از هویت‌یابی شیعه در خاورمیانه به‌خصوص در سه کشور عراق، لبنان و بحرین، افزایش اقتدار و جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ایران است که ناشی از موفقیت‌های استراتژیک در ۳ حوزه عراق، لبنان و بحرین می‌باشد. در عراق ائتلاف یکپارچه این کشور موفق شد در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵م بیش از ۶۵ درصد از کرسی‌ها و در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰م حدود ۱۶۰ کرسی را به خود اختصاص دهد و حکومت در دست گروه‌هایی از شیعیان است که ارتباط نزدیکی با جمهوری اسلامی دارند و در لبنان حزب‌الله بعد از خروج ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰م و نبرد ۳۳ روزه ۲۰۰۶م نماد بیداری شیعه شده و موفقیت در تبادل اسرا، کنفرانس دوحه و در اختیار گرفتن بیش از ۱۰ کرسی از دولت میقاتی، از موفقیت‌های آنها محسوب می‌شود. در بحرین نیز گروه‌های شیعه مثل جمعیت الوفاق‌الاسلامی وابسته به شیخ علی سلمان، توانست ۱۸ کرسی پارلمان را در اختیار بگیرد که این موضوع باعث تغییر توازن منطقه‌ای به نفع ایران و بالطبع توانمندی به‌دست گرفتن رهبری جهان اسلام می‌گردد. این موفقیت‌ها که به دلیل تقویت کمربند شیعه و گسترش عقبه‌های استراتژیک ایران شکل گرفت، شیعیان این کشورها را به منزله حامیان ایران معرفی می‌کند؛ موضوعی که حسنی مبارک نیز آن را بیان کرد و شیعیان عرب را ستون فقرات ایران نامید و یا ولی‌رضا نصر، عضو شورای روابط خارجی آمریکا، به دلیل موفقیت‌های استراتژیک ایران و حامیان آن، بارها به مسئولان آمریکایی پیشنهاد کرد که «قدرت ایران و شیعیانش را به رسمیت بشناسند» (نصر، سوم دی ۱۳۸۵، ص ۱۱).

ب. کاهش جایگاه آمریکا

آن‌گونه که در مباحث قبل با دلایلی ارتقای جایگاه و اقتدار ایران در اثر خیزش تشیع اثبات گردید، به علت تقابل دو کشور ایران و آمریکا، ارتقای جایگاه ایران، ناخودآگاه جایگاه و مشروعیت ایالات متحده را متزلزل می‌سازد. اما با تشریح آن‌سوی این دلایل، علل این کاهش جایگاه بررسی می‌شود.

ایالات متحده آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر برای مبارزه با تروریسم به افغانستان و عراق حمله کرد و اگرچه باعث سرنگونی طالبان و رژیم صدام شد، اما در برقراری امنیت پس از جنگ ناکام ماند؛ به طوری که بیش از ۴۸۰۵ نفر کشته و به گفته ژوزف استینگیتز، اقتصاددان برجسته و از برندگان جایزه نوبل اقتصاد، در حدود ۵ تریلیون دلار هزینه دربر داشت، چیزی شبیه جنگ ویتنام که از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ ادامه یافت و نزدیک به ۶۶۲ میلیارد دلار هزینه داشت. گفتنی است به این موضوع در گزارش بیکر همیلتون نیز اشاره شده است. این گزارش

با این جمله آغاز شده که «هیچ فرمول معجزه‌آسایی برای حل مشکلات عراق وجود ندارد» و در ادامه گزارش آمده است «وضعیت عراق بسیار وخیم و رو به خرابی بیشتر است و هیچ راهی که موفقیت را تضمین کند وجود ندارد» (یزدی، دی و بهمن ۱۳۸۵، ص ۸۱).

ناکامی که در لبنان نیز به همین صورت ادامه پیدا کرد و باعث کاهش مشروعیت بین‌المللی ایالات متحده گردید؛ به‌گونه‌ای که برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر، می‌گوید: «آمریکا در جهان منفور شده و جایگاه و مشروعیت خود را از دست داده است و به جایگاه جهانی خود به میزان زیادی لطمه زده است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ مرداد ۱۳۸۷، ص ۱۶)» از طرف دیگر ایالات متحده، متحدان راهبردی خود یعنی عراق زمان صدام و لبنان زمان صدارت سینیوره و حتی عربستان، بحرین، قطر و کویت و یمن را به دلیل تحولات جدید خاورمیانه و خیزش شیعی، تضعیف شده می‌پندارد و این موضوع علاوه بر اینکه توازن قوا را به سود شیعیان و ایران سوق داده، میدان‌داری بقیه کشورها را نیز از کف آنها ربوده است. براین اساس، ایجاد نوعی فشار برای محدود کردن قدرت شیعیان قابل پیش‌بینی است؛ امری که بارها تصمیم‌سازان کاخ سفید به آن مبادرت ورزیده‌اند و درگیری سال قبل عربستان و ایالات متحده با شیعیان یمن، و سرکوب اخیر شیعیان بحرین نیز در این راستا ارزیابی می‌شود.

ج. برتری اسلام سیاسی با محوریت شیعه

مسیر اقتدار جدید شیعیان ناخودآگاه دو جبهه را به مبارزه می‌طلبد و این موضوع به دلیل تقویت جبهه اسلام سیاسی شیعی موجب ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌های جدید برای اعمال نفوذ ایران می‌گردد که همین باعث کاهش تهدیدات نیز می‌شود. اسلام سیاسی شیعه در مسیر هویت‌یابی خود دو جبهه غرب و اسلام تکفیری را پیش روی داشته است. سیر تحولات امروزی در بحرین، مصر، تونس، یمن، عراق، لبنان، فلسطین، سودان و ...، از برخی اختلافات مذهبی سنی و شیعه که بگذریم، از منظر ایدئولوژی، خیز هویتی اسلام و مسلمانان با محوریت و پرچم دارای شیعه محسوب می‌شود که در برابر غرب قد علم کرده و از الگوی مقاومت بهره می‌گیرد. هانتینگتون نیز معتقد است مکاتب ارتدوکس و کنفوسیوس قابلیت حل‌شدن در فرهنگ غربی را دارند، اما تمدن اسلامی با مرکزیت ایران سرانجام قدرت ایستادگی مقابل تمدن غربی را یافت (هانتینگتون، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶).

تبعات امنیتی این مسئله نیز بیش از آنکه متوجه دیگر کشورهای اسلامی باشد، متوجه ایران خواهد بود. از سوی دیگر با ایجاد حساسیت در درون کشورهای اسلامی نسبت به محوریت یافتن شیعه، جبهه‌گیری در درون اسلام و مسلمانان نیز بین اسلام سیاسی شیعی و سلفی‌های

تکفیری صورت خواهد پذیرفت و آنها به شدت نسبت به حاشیه رفتن تفکر سیاسی تکفیری معترض خواهند بود.

نتیجه

هویت سیاسی شیعیان یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای خاورمیانه محسوب می‌شود. از سوی دیگر می‌توان تأکید داشت که شیعیان به گونه‌ای مشهود تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران می‌باشند. هویت‌یابی شیعه می‌تواند آثار و پیامدهای سیاسی امنیتی قابل توجهی را در منطقه به وجود آورد. بررسی فرآیندهای تاریخی سال‌های ۱۹۹۱م به بعد بیانگر آن است که ظهور چنین نیروهایی صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که زمینه‌های اجتماعی فضای منطقه‌ای و فرآیندهای بین‌المللی در حمایت از آنان سازماندهی شود.

اگر هر یک از مؤلفه‌های یادشده نقش و کارکرد سازمانی خود را تقویت نماید یا از دست بدهد، طبعاً هویت‌یابی و تبدیل آن به نیروهای کنش‌گر سیاسی نقش مثبت ایران را تقویت و یا با مخاطره روبرو خواهد ساخت. با توجه به چنین مؤلفه‌هایی باید پیامدهای سیاسی هویت‌یابی شیعه در خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد. اگر دستگاه دیپلماسی کشور این خودآگاهی را به‌خوبی مدیریت کند؛ به دلیل آنکه سبب تقویت کمربند شیعه و گسترش عقبه‌های استراتژیک ایران می‌گردد و این خود افزایش اقتدار و جایگاه ایران را به دنبال دارد، می‌تواند نفوذ منطقه‌ای و بالطبع جهانی ایران را افزایش دهد. همچنین به دلیل تقابل ایران و آمریکا، ناخودآگاه ارتقای جایگاه ایران مشروعیت و جایگاه آمریکا را متزلزل می‌سازد و تهدیدات را نیز کاهش می‌دهد و این به دلیل ناکامی آمریکا در عراق، افغانستان و لبنان است. سیر تحولات در جهان اسلام و بیداری اسلامی و بازیگری هوشمند ایران و حزب‌الله لبنان و در مقابل بازیگری منفعل و متهورانه عناصر تکفیری و غربی، ناخودآگاه محوریت شیعه را تقویت نموده و این خود عاملی اساسی برای تقویت جایگاه ایران و در مجموع سبب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. اما اگر بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ نسبت به چنین فرآیندهایی احساس نگرانی و تهدید نمایند، طبعاً پیامدهای مخاطره‌آمیزی برای سرنوشت شیعیان ایجاد خواهد شد. نشانه چنین روندی را می‌توان در ارتباط با تحولات یمن، عربستان و بحرین ملاحظه کرد. ۱. هم‌اکنون موج‌های سیاسی جدیدی در خاورمیانه به وجود آمده که مبتنی بر ائتلاف نیروهای بین‌المللی با کشورهای منطقه‌ای حافظ وضع موجود محسوب می‌شود. اگر حمایت‌های بین‌المللی از عربستان و بحرین ادامه یابد، طبیعی است که هویت‌یابی شیعیان نمی‌تواند به کنش و قدرت سیاسی منجر شود؛ به همین دلیل است که موج‌های ضدهویت به موازات فرآیندهای هویت‌یابی در حال گسترش است. نشانه‌های آن را می‌توان در شکل‌گیری دیپلماسی فشار علیه

ایران ملاحظه کرد. این دیپلماسی معطوف به مقابله با ساختار سیاسی و الگوی رفتاری ایران در منطقه محسوب می‌شود.

۲. هویت‌یابی شیعیان بدون توجه به نقش نیروهای سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی پذیرفته نخواهد شد. هویت صرفاً در حوزه اجتماعی مطالعه نمی‌شود، بلکه باید آن را در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز ارزیابی کرد. هر یک از نیروهای اجتماعی تأثیرگذار می‌تواند زمینه‌های اعتباریابی یا اعتبارزدایی شیعیان در خاورمیانه را فراهم سازد.

۳. از آنجایی که ایران در زمره اصلی‌ترین حامیان منطقه‌ای شیعه به‌شمار می‌آید، بنابراین طبیعی است که امکان مقابله بسیاری از کشورهای منطقه با ایران وجود دارد. عربستان با وجود ضعف مفرط نظامی و نداشتن استقلال واقعی، محور اصلی مقابله ضد ایران محسوب می‌شود. هم‌اکنون این سؤال مطرح است که آیا بعد از سقوط حکومت مبارک در مصر، چنین جایگاهی را چه کشوری عهده‌دار خواهد شد. اگر موج‌های ضدایرانی عربستان ادامه پیدا کند، طبیعی است که محدودیت‌هایی برای امنیت ملی ایران ایجاد خواهد شد. ظهور شیعیان در خاورمیانه صرفاً در شرایطی برای ایران از اهمیت و مطلوبیت امنیتی برخوردار است که امکان کنترل نیروهای فراملی وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، جدال‌گرایی منطقه‌ای منجر به شکل‌گیری تهدیدات نوظهور علیه ایران خواهد شد، ولی آنچه در عمل هویداست این است که هویت‌یابی، قدرت منطقه‌ای و جهانی ایران را افزایش داده است.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- برزگر، کیهان (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲- بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن و سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران، ابرار معاصر تهران.
- ۳- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۲)، "عراق جدید تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم.
- ۴- جریده الشرق الاوسط (۲۰۰۴)، الأردن يحذر: عروبة العراق في خطر. العدد ۹۵۲۲.
- ۵- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱)، کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران، انتشارات کیهان.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران.
- ۷- روزنامه ایران (۱۳۸۳)، گفتگو با دکتر حمید احمدی، شماره ۳۰۴۷.
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۸۷)، آمریکا در جهان متفور شده است، شماره ۸۳۹۳، سال سی‌ام.
- ۹- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، هویت در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۱۰- عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- ۱۱- فولر، گراهام ای. (۱۳۸۴)، شیعیان عرب مسلمان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.

- ۱۲- قوچانی، محمد (۱۳۸۵)، سه اسلام: مکتب نجف، قم و تهران، تهران، نشر سراسری.
- ۱۳- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، هژمونی شکننده "همشهری دیپلماتیک"، سال اول، شماره ۶، ص ۱۴.
- ۱۴- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۵)، «ریشه‌های داخلی بحران بحرین»، روزنامه کیهان.
- ۱۵- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، جلد دوم، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- نصر، ولی‌رضا (۱۳۸۵)، «قدرت ایران و شیعیان را به رسمیت بشناسید» ترجمه کاوه شجاعی، اعتماد ملی، شماره ۲۶۲.
- ۱۷- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، «شیعیان منطقه؛ تحلیلی از موقعیت سیاسی و راه‌های حفاظت از منافع آنها»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۹.
- ۱۸- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴)، چالش‌های هویت در آمریکا، ترجمه محمدرضا گلشن‌پژوه، تهران، ابرار معاصر.
- ۱۹- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۳)، نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۲۰- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «خاورمیانه، عراق و آمریکا»، ماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۴۱.

ب. خارجی:

- 21- Abdul Zahra, Hassan (17 sep 2007), **sadr group to pull out of iraq's rulingshiite bloc wallstreet.**
- 22- Chomsky noam (2007), **intervention**, city light, pages 163.
- 23- Moubayed, Sami (8 June 2010), **Iraq political tussle gathers momentum**, Gulf News.
- 24- Nasr, vali reza (2007), **The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future**, W. W. Norton & Company.
- 25- Rubin Barry (2006), **iran: the rise of a Regional power**, the middle east review of international affrica, volum 10-no3.
- 26- Wong, edvard (9 april 2006), **Top Iraqis Assail Egyptian Leader's Talk of Civil War**, New york times.
- 27- www. Aftab news. Ir.
- 28- www. Peyroemam. blogFa. Com.
- 29- <http://en-wikipedia.Org/wikishia-population>.
- 30- <http://www.Manar.Com/Forum/showthread.Php?86573>.
- 31- "Iran's Opportunity In The Persian Gulf", <http://blogs.forbes.com/energysource/2011/03/06/irans-opportunity-in-the-persian-gulf>
- 32- www.alalam.ir